



انتخاب‌های سرنوشت‌ساز
محمود سریع‌القلم



مأهویت منطقیون
مصطفی محقق داماد



پذیرش توبه
پرونده تتلو روی میز قاضی القضاات



در تقاطع قدرت

تحلیلی بر نشست رهبران اروپا و دبیرکل ناتو
با ترامپ در کاخ سفید درباره آینده اوکراین



یادداشت روز

دو فرصت سوخته

در دهه‌های ۵۰ و ۸۰ دوبر با افزایش بی‌سابقه درآمدهای نفتی روبه‌رو شدیم، اما در هر دوبار سیاست بر توسعه غلبه کرد. چرا هر بار در لحظه‌ای که «در طلایی نفت» باز شد، ایران به جای عبور به اتاق توسعه، وارد راهروی خطا شد؟

یاسر هاشمی

فعال سیاسی



نفت در تاریخ ایران فقط یک منبع درآمد نیست؛ یک روایت است. روایتی که از حیطات اندرونی قاجار شروع می‌شود، از دالان‌های تاریک امتیازات استعماری می‌گذرد و به همت دکتر مصدق در ملی شدن صنعت نفت و دفاع تاریخی او در سازمان ملل بر دودکش‌های آبادان قد می‌کشد و بر امواج قیمت نفت سوار می‌شود و سرانجام، دو بار، یک‌بار در نیمه دهه ۱۳۵۰ و بار دیگر در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ «در طلایی» جهش اقتصادی را به روی کشور می‌گشاید اما هر دو بار به‌جای عبور هوشمندانه، گویی کورمال‌کورمال وارد اتاقی دیگر می‌شویم: اتاقی پر از سراب، تورم و تمرکز قدرت. این مقاله یک روایت ناپیوسته از این مسیر است: از «فقدان نفت» در عصر فتحعلی‌شاه تا «فراوانی نفت» در دهه‌های اخیر و اینکه چگونه ساختارهای تصمیم‌گیری، تمرکزگرایی و ایدئولوژی‌زدگی، دو فرصت بزرگ تاریخی را در ایران به ضدفرصت تبدیل کرد.

در روزگار فتحعلی‌شاه قاجار هنوز خبری از چاه‌های نفت نبود. ستون فقرات درآمدی دولت، مالیات‌های ارضی و گمرک بود و شکست‌های نظامی و معاهدات سنگین (از جمله گلستان و ترکمانچای) پایه‌های مالیه عمومی را سست کرد. نفت، دهه‌ها بعد به صحنه آمد. امتیاز داری در سال ۱۲۸۰ در دوره مظفرالدین‌شاه حق انحصاری اکتشاف و استخراج را در سه‌چهارم خاک ایران به یک سرمایه‌دار انگلیسی واگذار کرد؛ در برابر ۲۰ هزار لیره نقد و سهام و فقط ۱۶ درصد از «سود خالص» شرکت، آن هم با حساب‌سازی‌هایی که بعدها خود ایران را به اعتراض واداشت.

کشف نفت در مسجدسلیمان (۱۲۸۷) و شکل‌گیری «شرکت نفت انگلیس و ایران» ماشین نوینی از قدرت و پول را روشن کرد اما سهم ایران همچنان ناچیز بود اما با ملی شدن نفت در ۱۳۲۹ دولت مصدق برای نخستین بار نفت را به مساله «حاکمیت» پیوند زد. اما کودتای ۱۳۳۲ و بازگشت شبکه‌ای از شرکت‌های غربی در قالب کنسرسیوم ۱۳۳۳ هنوز «فرمان» نفت در دست دیگران بود. تنها در ۱۳۵۲ بود که با «قرارداد فروش و خرید» و اوج‌گیری قدرت دولت‌های نفتی، شرکت ملی نفت ایران رسماً مالک و مدیر دارایی‌ها شد و کنسرسیوم به خریدار بلندمدت بدل شد.

اوج نخست: نیمه دهه ۱۳۵۰ نسبت درآمد نفت به تولید ناخالص داخلی بنا به برآوردها تا حوالی ۴۷ درصد در ۱۳۵۳ بالا رفت؛ و تا ۱۳۵۶ درآمد سالانه نفت به حدود ۲۰ میلیارد دلار رسید. نفت حدود ۸۰ درصد درآمدهای دولت را می‌ساخت. در ظاهر همه چیز رونق داشت: رشدهای بسیار بالا در اوایل دهه ۱۳۵۰، برنامه‌های جاه‌طلبانه صنعتی و پروژه‌های بزرگ عمرانی. اما اقتصاد به عارضه‌ای گرفتار شد که در ادبیات اقتصاد توسعه به «بیماری هلندی» معروف است که جهش ارز آوری نفت، نرخ واقعی ارز را تقویت و واردات را ارزان می‌کند، دستمزدها در بخش‌های غیرنفتی بالا می‌رود، منابع و نیروی انسانی به سمت بخش‌های غیرقابل مبادله سرازیر می‌شود و صنعت قابل مبادله (ساخت و کشاورزی) نحیف می‌گردد.

ادامه در صفحه ۲

بازسازی مسیر دوستی

سازندگی بررسی می‌کند:

رئیس‌جمهور ایران در سفر به ایروان، آن هم پس از توافق آذربایجان و ارمنستان و نام‌گذاری کریدور زنگزور به مسیر ترامپ، حامل چه پیام‌هایی است؟



گروه بین‌الملل: دیروز دوشنبه

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور

ایران در سفری رسمی وارد ایروان

پایتخت ارمنستان شد؛ سفری که در

ظاهر، ادامه‌ای بر روابط دیرینه و دوستانه

میان دو کشور همسایه است اما در باطن

حامل پیام‌هایی روشن، دغدغه‌هایی ژرف

و هشدارهایی پنهان درباره آینده منطقه قفقاز

جنوبی است. این سفر در شرایطی انجام می‌شود

که تحولات اخیر در مرزهای ارمنستان و جمهوری

آذربایجان، به‌ویژه پروژه اتصال نخجوان به سرزمین

اصلی آذربایجان از طریق خاک ارمنستان، بار دیگر

حساسیت‌های تهران را برانگیخته و ضرورت بازتعریف

مواضع ایران در قبال این تحولات را برجسته کرده

است. مسعود پزشکیان پیش از سفر تاکید کرده بود

که «با کشور دوست و همسایه ارمنستان یک رابطه

قدیمی و راهبردی داریم» و بعد از آن نیز اهداف سفر را

فاش کرد: «در این سفر درباره کریدور شمال- جنوب و

مسیر شرق و غرب گفت‌وگو می‌کنیم تا روند راه تجارت

را از شرق به غرب گسترش دهیم».

ادامه در صفحه ۳



سال هشتم شماره ۲۰۴۳
سه‌شنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۴

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

دیدگاه‌روشنفکران

انتخاب‌های سرنوشت‌ساز

محمود سریع‌القلم از سه سناریوی پیش روی ایران سخن می‌گوید



محمود سریع‌القلم، استاد علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در سخنانی تازه، تصویری از موقعیت ژئوپلیتیک و اقتصادی ایران ارائه داده که بیش از هر زمان دیگری به انتخاب‌های بنیادین گره خورده است. سریع‌القلم تأکید می‌کند که برخلاف بسیاری از مسائل داخلی اسرائیل، از مناقشات غزه گرفته تا توافق ابراهیم، موضوع ایران نقطه اجماع همه جریان‌های سیاسی و اجتماعی در این کشور است. علت این اجماع روشن است، ایران در سال‌های گذشته نابودی اسرائیل را به‌عنوان شعار اصلی خود قرار داده و همین موضوع اسرائیل را در برابر ایران یکپارچه کرده است. او هشدار می‌دهد که هدف نهایی اسرائیل در این رویارویی با تجزیه‌سرزمینی ایران است یا در صورت عدم تحقق آن، تضعیف ساختاری کشور. به گفته این استاد دانشگاه، در شرایط حساس کنونی، کشورهای کلیدی مانند ترکیه، روسیه، چین و حتی کشورهای عربی در برابر تحولات مرتبط با ایران سکوت اختیار کرده‌اند. این سکوت نه از بی‌طرفی بلکه از محاسبات دقیق ناشی می‌شود؛ چراکه هرگونه موضع‌گیری آشکار می‌تواند، هزینه‌های استراتژیک برای آنها به همراه داشته باشد. سریع‌القلم بخش عمده سخنان خود را به «دوگانه‌های تصمیم‌گیری» ایران اختصاص می‌دهد. او توضیح می‌دهد که کشور نمی‌تواند هم‌زمان در مسیر توسعه اقتصادی و هزینه‌کرد گسترده برای عدالت منطقه‌ای حرکت کند. ایران باید انتخاب کند: یا به سمت علم، فناوری و حضور در اقتصاد جهانی حرکت کند یا اینکه از جهان فاصله بگیرد و به خودکفایی داخلی بسنده کند.

سریع‌القلم یادآور می‌شود که بازسازی کشور بدون جذب سرمایه خارجی ممکن نیست و اگر منابع صرفاً در حوزه امنیتی و منطقه‌ای هزینه شود، فرصت توسعه اقتصادی از دست خواهد رفت. سریع‌القلم برای آینده ایران سه سناریو ترسیم می‌کند:

۱- **توافق هسته‌ای محدود:** ایران غنی‌سازی صفر درصد را بپذیرد و برد موشک‌هایش کمتر از ۵۰۰ کیلومتر باشد. در این صورت جنگ کاهش می‌یابد، بخشی از پول‌های بلوکه شده آزاد می‌شود و نرخ رشد اقتصادی تا ۲.۵ درصد بالا می‌رود. اما او این سناریو را کم احتمال می‌داند.

۲- **تداوم فشارهای مالی:** در این وضعیت آمریکا و متحدانش دوباره کانال‌های مالی ایران را مسدود می‌کنند، فروش نفت کاهش می‌یابد و دلار روند صعودی پیدا می‌کند. نتیجه آن افزایش تورم خرنده، شکستگی بیشتر اقتصاد و رشد اعتراضات داخلی خواهد بود.

۳- **ابهام و تعلیق:** ایران نه به سمت توافق کامل می‌رود و نه به سمت رویارویی تمام‌عیار. این وضعیت پرهزینه، منابع کشور را فرسایش می‌دهد و امکان برنامه‌ریزی درازمدت را تضعیف می‌کند. او به نقش طبقات اجتماعی در ایران اشاره می‌کند و می‌گوید در کشور، بسیاری از افراد ابتدا به سمت‌های سیاسی می‌رسند سپس به فکر تحصیل می‌افتند، برعکس کشورهای توسعه‌یافته که دانش و مهارت مقدم بر قدرت است. همین امر به ناکارآمدی ساختاری منجر می‌شود. سریع‌القلم همچنین بر ضرورت مدیریت اختلاف‌ها تأکید می‌کند و نمونه چین را مثال می‌زند که توانسته اغلب منازعات خود را بدون جنگ حل کند. او ضعف ایران را در «فرآیندگرایی» می‌داند و معتقد است، فرهنگ سیاسی کشور بیشتر به آینده‌نگری و آرمان‌گرایی متکی است تا به فرآیندهای عملی و تدریجی. سخنان سریع‌القلم هشدار صریحی است درباره آینده ایران؛ کشوری که در آستانه انتخاب‌های مهمی میان توسعه یا تقابل، رفاه داخلی یا حضور منطقه‌ای و تعامل جهانی یا انزوا قرار دارد. او تأکید می‌کند که بدون تصمیم‌های سخت و روشن، ایران همچنان در چرخه‌ای از اشتباهات تکراری گرفتار خواهد ماند. از نگاه او، پرسش اصلی پیش روی مسئولان نه این است که چه شعارهایی بدهند بلکه این است که کدام مسیر واقعی را انتخاب کنند: توسعه پایدار مبتنی بر تعامل جهانی یا تداوم درگیری‌های فرسایشی که فرصت‌های ملی را می‌سوزاند.

پیام اژدهای: در کنار دولت هستیم

برای مقابله با کسانی که بخواهند برای مردم مشکل ایجاد کنند، کنار دولت هستیم



آرامش، امید و همکاری میان نهادهای دولتی باشد.

همگرایی با دولت، در چنین شرایطی، معنای عملی دارد. هماهنگی سیاست‌ها، همکاری بین دستگاه‌ها و تلاش برای ارائه راهکارهای واقعی به مردم. وقتی مسئولان در مواجهه با چالش‌ها یکپارچه عمل می‌کنند، امکان سوءاستفاده گروه‌های مخالف یا افرادی که می‌خواهند فضای جامعه را متشنج کنند به حداقل می‌رسد. این همگرایی همچنین به مردم اطمینان می‌دهد که نهادهای مختلف، فارغ از گرایش‌ها و منافع فردی در پی حل مشکلات واقعی جامعه هستند. غلامحسین محسنی‌اژدهای، رئیس قوه قضائیه، در نشست اخیر شورای عالی قوه قضائیه با اشاره به شرایط حساس کنونی کشور بر اهمیت انسجام و وحدت ملی تأکید کرد. وی یادآور شد در شرایطی که دشمنان کشور به دنبال ایجاد اختلاف و تفرقه بین مسئولان و مردم هستند، حفظ همبستگی و هماهنگی میان نهادهای مختلف، به‌ویژه بین قوه قضائیه و دولت، یک ضرورت حیاتی است. ایشان با تأکید بر اینکه وحدت ملی نه تنها یک ارزش اخلاقی و دینی بلکه یک الزام عقلانی و تجربی است، اظهار کرد: «اگر انسجام

ملی ما سست شود، فضای جولان برای شیطان‌صفتان فراهم خواهد شد.» این بیان نشان‌دهنده نگرانی قوه قضائیه از نفوذ تأثیرات خارجی و داخلی در عرصه سیاسی و اجتماعی کشور است و به ضرورت مقابله فعال با این فشارها اشاره دارد.

محسنی‌اژدهای یکی از مؤلفه‌های مهم حفظ وحدت ملی را سعه صدر و ظرفیت شنیدن نظرات مخالف دانست. او بیان کرد: «مسئولان باید با شنیدن نظرات متفاوت به گفت‌وگو و هم‌اندیشی بپردازند و اختلافات را به نقاط مشترک تبدیل کنند.» این تأکید نشان می‌دهد که نگاه ایشان به وحدت ملی صرفاً دستوری نیست بلکه بر پایه تعامل و مدیریت اختلافات بنا شده است. به بیان دیگر انسجام ملی نباید با سرکوب یا حذف دیدگاه‌های متفاوت ایجاد شود بلکه از طریق گفت‌وگوی سازنده و احترام به دیدگاه‌های گوناگون تقویت می‌شود.

رئیس قوه قضائیه در بخش دیگری از سخنان خود، التزام به قانون را به‌عنوان راهبردی کلیدی برای تقویت وحدت ملی معرفی کرد. وی تصریح کرد: «همه ما باید قانونمند باشیم و حول محور ولایت‌فقیه تجمع کنیم و به بالاترین سطح وحدت و انسجام نایل آیم.» این نکته هم جنبه حقوقی دارد و هم جنبه سیاسی و فرهنگی؛ یعنی رعایت قانون و احترام به نهادهای قانونی، پایه و زیربنای انسجام ملی است و بدون آن، هرگونه تلاش برای وحدت، شکننده خواهد بود.

همچنین تأکید بر محوریت ولایت فقیه، نشان‌دهنده نگاه راهبردی قوه قضائیه به تثبیت یک رهبری راهنمای ملی است که در شرایط بحرانی می‌تواند، انسجام کشور را حفظ کند و مانع از نفوذ گروه‌ها و جریان‌های تفرقه‌افکن شود.

یکی دیگر از جنبه‌های مهم، سبک مواجهه مسئولان با افکار عمومی و رسانه‌هاست. حتی در شرایط بحرانی، لحن نرم، شفاف و همراه با توضیح دقیق می‌تواند، اعتماد مردم را حفظ و از رشد شایعات جلوگیری کند. در واقع، گفتار مسئولان ابزار مدیریت اجتماعی است؛ ابزاری که اگر با دقت و سنجیدگی به کار گرفته شود، انسجام و آرامش جامعه را تقویت می‌کند.

بخش تولید هرگز به‌طور کامل و کارآمد محقق نشد. هم‌زمان، بخش قابل‌توجهی از منابع و تمرکز حاکمیت به برنامه‌های بازدارندگی نظامی، فعالیت‌های منطقه‌ای و منازعات هسته‌ای معطوف شد؛ تحریم‌های مالی و نفتی، کانال‌های تجارت و سرمایه‌گذاری را تنگ‌تر کرد، هزینه مبادله را بالا برد و «دهه ۱۳۹۰» را برای اقتصاد ایران به یک «دهه از دست‌رفته» تبدیل کرد؛ دهه‌ای که متوسط رشد واقعی نزدیک به صفر برآورد می‌شود و نوسانات شدید، چشم‌انداز سرمایه‌گذاری بلندمدت را مدوش کرد.

اگر به جزئیات بنگریم، الگوی بیماری هلندی در این اوج دوم نیز با صورت‌بندی دیگری تکرار شد. دلار نفتی فراوان، نرخ حقیقی ارز را تقویت و واردات را ارزان می‌کند؛ در نتیجه به‌جای سرمایه‌گذاری بلندمدت در ارتقای بهروری صنعت، پوپولیسم اقتصادی و واقعی خرید زمان با پول نفت بر سیاست‌های صحیح حاکم می‌شود. گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد که هدفمندی یارانه‌ها در اجرا، گرچه به کاهش مصرف انرژی در کوتاه‌مدت کمک کرد اما به دلیل فراگیری همگانی پرداخت نقدی، فشار تورمی همراه با افزایش قیمت حامل‌ها به مرور اثر واقعی این پرداخت‌ها آب رفت.

دو تصویر کنار هم: در ۱۳۵۶ دولت بر امواج دلار نفت سوار بود و اقتصاد چهار تورم فراینده و ظرفیت‌سازی شتابنده؛ و در اوج دوم، دوباره بر قله قیمت نفت ایستاده بودیم و به جای تثبیت نهادی و انباشت سرمایه مولد، پول نفت به مصرف جاری و بی‌توجهی حاکمان به زیرساخت‌های پایدار گذشت.

هر دو بار سیاست بر توسعه غلبه کرد. شاید پرسش اصلی این باشد: چرا هر دو بار در لحظه‌ای که «در طلایی نفت» باز شد، ایران به جای عبور به اتاق توسعه، وارد راهروی خطا شد؟ پاسخ کوتاه: کیفیت حکمرانی.

درآمد فراوان رانتی، اگر بر بستر دولت پاس‌خگو، شفاف و قانون‌مند بنشیند، می‌تواند صندوق ثروت بین‌نسلی بسازد، چرخه‌های قیمتی را هموار و به ریل‌گذاری صنعتی صادرات‌محور کمک کند؛ اما اگر در دل ساختار متمرکز غیر پاس‌خگو جاری شود، انگیزه پاس‌خگویی مالیاتی را می‌خشکاند، سیاستمدار را به «توزیع‌گر نقدی» به جای «اصلاح‌گر نهادی» تبدیل و رانت‌جویی را به قاعده بازی بدل می‌کند. همین جاست که بیماری هلندی فقط یک «مدل اقتصادی» نیست.

در دهه ۱۳۵۰ در حالی که با شوک قیمت نفت، فرصت ساخت زنجیره‌های صنعتی صادرات‌محور و انباشت فناوری فراهم بود شتابزدگی عمرانی، پروژه‌محوری و گسترش دولت، جایگزین اصلاحات نهادی شد. در دهه ۱۳۸۰–۱۳۹۰ نیز درست در اوج بی‌سابقه درآمد به‌جای تقویت صندوق‌های بین‌نسلی و شفاف‌سازی

مالیه عمومی، درآمد نفت در لابه‌لای سیاست‌های توزعی، نظام بانکی شبه‌دولتی، فعالیت‌های اقتصادی نهادهای خارج از بودجه و منازعات خارجی و چیره شدن ایدئولوژی بر اقتصاد گم شد.

در هر دو تجربه، نسبت نفت به دولت به جای نسبت دولت به توسعه تقویت شد یعنی دولت به نفت «وابسته‌تر» شد و اقتصاد به دولت «گرفتارتر».

آن سوی داستان، کشورهایی هستند که همین «دلار نفتی» را به «ریل توسعه» بدل کردند: نروژ، صندوق ثروت حاکمیتی را نه برای جبران کسری جاری بلکه برای آینده نسل‌ها ساخت؛ امارات و قطر، با همه تفاوت‌ها، سعی کردند از پنجره انرژی، سکویا لجستیک و خدمات جهانی بسازند.

مقایسه دو اوج نفتی، یک همسانی و یک تفاوت مهم دارد. همسانی تصمیم‌گیری متمرکز، شخص‌محور و سیاست‌زده و کم‌اعتنایی به برنامه‌ریزی مبتنی بر شواهد و تفاوت در دهه ۱۳۵۰. مساله اصلی «شتابزدگی مدرن‌سازی از بالا» و در دهه ۱۳۸۰–۱۳۹۰ «ایدئولوژی‌محوری و ستیز منطقه‌ای/هسته‌ای» بر اقتصاد سلیاه انداخت. در هر دو، پیامد اقتصادی یکی بود: تورم ساختاری، نوسان شدید، قرار سرمایه انسانی و مالی و فرصت‌سوزی در جهش بهروری.

روایت را با همان استعاره آغازین جمع کنیم: «دو فرصت طلایی» یکی در نیمه دهه ۱۳۵۰ و دیگری در دهه ۱۳۸۰–۱۳۹۰ بر روی ایران گشوده شد. هر دو بار به جای عبور به تالار توسعه به گذرگاه‌های سیاست و ایدئولوژی پیچیدیم.

سرمایه اجتماعی و سیاسی این کشور اما هنوز می‌تواند در سومین گشودگی، مسیر را درست انتخاب کند، حکمرانی را از نفت «بی‌نیاز» کند، نفت را از بودجه «منفک» سازد، صندوق ثروت را «قاعدمند» و «بین‌نسلی» کند و توسعه صنعتی صادرات‌محور را محور تصمیم‌گیری قرار دهد. این نسخه، شعار نیست؛ خلاصه تجربه جهانی و عصاره رنج‌های خود ماست. ایران اگر بخواهد از چرخه «نفت – نارضایتی» بیرون بزند باید در مرحله بعد اصلاحات سخت اما ممکن را از همین جا آغاز کند: شفافیت بودجه شرکت‌های دولتی و فرادولتی، تعیین قاعده مالی برای کسری ساختاری، آزادسازی تدریجی و هدفمند قیمت انرژی همراه با جبران‌های «هدفمند واقعی، نه همگانی» برای دهک‌های پایین، تقویت استقلال بانک مرکزی و مهار رشد پولی و مه‌تر از همه «سیاست خارجی همساز با توسعه» که هزینه ریسک کشور را واقعاً کاهش دهد. آن‌گاه حتی اگر قیمت نفت دوباره اوج گرفت مدیران عوض می‌شود.

دلار نفتی، نه «نزین تورم» که «سرمایه توسعه» خواهد شد.

در تقاطع قدرت

تحلیلی بر نشست حساس رهبران اروپا و دبیرکل ناتو با ترامپ در کاخ سفید درباره آینده اوکراین

گروه بین‌الملل: نشست حساس دیروز در کاخ سفید میان دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین و رهبران اروپایی درحالی برگزار شد که فضای دیپلماتیک واشنگتن متشنج است. این دیدار تنها چند روز پس از نشست بی‌نتیجه ترامپ و پوتین در آلاسکا برگزار می‌شود؛ دیداری که به رغم استقبال رسمی، بدون دستیابی به توافق ملموس پایان یافت و به نفع مسکو تفسیر شد.

رهبران کشورهای بریتانیا، آلمان، فرانسه، ایتالیا، لهستان و فنلاند به همراه دبیرکل ناتو و رئیس‌کمیسیون اروپا در این نشست حضور خواهند داشت. آنها به‌منظور حمایت از مواضع اوکراین و جلوگیری از فشار به زلنسکی برای پذیرش شرایط غیرقابل قبول در کاخ سفید حضور خواهند یافت.

در نشست آلاسکا، ولادیمیر پوتین خواستار واگذاری استان‌های دونتسک و لوهانسک توسط اوکراین به‌عنوان شرط پایان جنگ شد. دونالد ترامپ به‌طور خصوصی از این پیشنهاد حمایت کرد اما با مخالفت شدید کی‌یف روبه‌رو شد. ترامپ پس از دیدار با پوتین در تماس با رهبران اروپایی و زلنسکی بر لزوم دستیابی به توافق صلح تأکید کرد و از زلنسکی خواست تا «توافقی» با روسیه به‌ویژه در زمینه کریمه و پیوستن

به ناتو بپذیرد. ولودیمیر زلنسکی در پاسخ به ترامپ خواستار «صلح پایدار» شد و تأکید کرد که واگذاری کریمه و پذیرش شروط پوتین را نخواهد پذیرفت. او در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «صلح باید پایدار باشد؛ نه مانند سال‌های گذشته، زمانی که اوکراین مجبور شد از کریمه و بخشی از شرق خود صرف‌نظر کند.» نشست دیروز در کاخ سفید، که با حضور ترامپ، زلنسکی و رهبران اروپایی برگزار شد، آزمونی برای دیپلماسی ترامپ است. در حالی که ترامپ به دنبال دستیابی به توافقی است که به پایان جنگ منجر شود، زلنسکی و متحدان اروپایی‌اش بر حفظ تمامیت ارضی اوکراین و عدم پذیرش فشارهای خارجی تأکید دارند. در این شرایط، تحلیلگران بر این باورند که ترامپ در تلاش است تا با ارائه پیشنهادهایی مانند واگذاری کریمه و پذیرش عدم پیوستن اوکراین به ناتو، زمینه را برای توافقی به نفع روسیه فراهم کند. این در حالی است که زلنسکی و متحدانش بر اصول خود پایبند هستند و حاضر به پذیرش شرایط تحمیلی نیستند. در نهایت این نشست می‌تواند، نقطه عطفی در مسیر جنگ اوکراین باشد؛ مسیری که در آن دیپلماسی، منافع ملی و اصول اخلاقی در تقابل با یکدیگر قرار دارند.

پیامدها و سناریوهای پیش‌رو

نشست دیشب کاخ سفید علاوه بر اهمیت نمادین خود، می‌تواند سرنوشت صلح در اوکراین را تحت تأثیرمستقیم قرار دهد. اگر ترامپ و زلنسکی نتوانند به یک چارچوب مشترک برای تضمین امنیت اوکراین برسند، احتمالاً مذاکرات چندجانبه تحت فشار اروپا نیز با دشواری‌های قابل توجهی مواجه خواهد شد. تحلیلگران بر این باورند که چند سناریوی محتمل پیش روی شرکت‌کنندگان است:

۱- سناریوی توافق محدود: در این حالت، آمریکا و اروپا با اعمال فشار دیپلماتیک و اقتصادی بر روسیه به توافقی موقت برای آتش‌بس و توقف عملیات نظامی دست خواهند یافت. این توافق احتمالاً شامل بازپس‌گیری بخش‌هایی از مناطق اشغال شده و تضمین‌های کوتاه‌مدت امنیتی برای اوکراین خواهد بود اما ریسک نقض فوری آن از سوی مسکو بالا خواهد بود.

۲- سناریوی بن‌بست مذاکرات: اختلافات بنیادین میان ترامپ، زلنسکی و رهبران اروپایی می‌تواند به بن‌بست کامل

در این میان، نکته‌ای ظریف اما مهم نیز وجود دارد: مقامات ارمنی به شدت از استفاده از واژه «کریدور» برای تعریف این مسیر اجتناب می‌کنند. عراقچی در این باره گفت: «ارمنی‌ها اصرار دارند که به هیچ‌وجه از کلمه «کریدور» برای تعریف این خط، که اسمش را در توافق مسیر گذاشته‌اند، استفاده نشود. چون «کریدور» وقتی مطرح می‌شود، یک مشخصات خاص خودش را دارد که به نوعی با حاکمیت کشورها سروکار دارد، یعنی ممکن است حاکمیت را تضعیف کند».

این حساسیت واژگانی، خود نشان‌دهنده پیچیدگی‌های حقوقی و سیاسی این پروژه است؛ پروژه‌ای که در ظاهر یک جاده است اما در واقع می‌تواند، بهانه‌ای برای تغییرات ژرف در ساختار قدرت منطقه‌ای باشد. ایران که همواره بر اصل عدم مداخله خارجی و حل مسائل منطقه‌ای توسط کشورهای منطقه تأکید کرده در این سفر باید بر تقویت چارچوب «۳+۳» پافشاری کند؛ مدلی که شامل سه کشور قفقاز جنوبی (ارمنستان، آذربایجان، گرجستان) و سه کشور همسایه (ایران، ترکیه، روسیه) است.

عراقچی در این باره گفت: «سیاست ما در آن چارچوب سه به علاوه سه شکل گرفته... این ترکیب تا الان دو بار یا سه بار تشکیل جلسه داده؛ البته به خاطر اختلافاتی که گرجستان با روسیه دارد در این نشست‌ها شرکت نمی‌کند اما اقتدر این چارچوب برای کشورهای منطقه اهمیت داشته که حتی با عدم شرکت گرجستان، تصمیم گرفته‌اند که این جلسات را تشکیل بدهند و همچنان عنوان آن را هم «سه به علاوه سه» نگاه دارند».

پزشکیان در ایران باید با صراحت و در عین حال با دیپلماسی، مواضع ایران را درباره حفظ تمامیت ارضی کشورها، مخالفت با حضور نیروهای خارجی و تقویت سازوکارهای منطقه‌ای بیان کند. او باید نشان دهد که ایران نه‌تنها نگران تحولات ژئوپلیتیکی است بلکه آماده است تا با همکاری کشورهای منطقه، راه‌حل‌هایی پایدار برای صلح و ثبات در قفقاز ارائه دهد.

در نهایت، این سفر آزمونی است برای دیپلماسی ایران؛ آزمونی که در آن، پزشکیان باید میان حفظ روابط دوستانه با ایران، بیان صریح نگرانی‌های تهران و تلاش برای ایجاد سازوکارهای منطقه‌ای تعادل برقرار کند. قفقاز جنوبی، بار دیگر در آستانه تحولی است که می‌تواند، نقشه قدرت منطقه را دگرگون کند. ایران با حضور پزشکیان در ایران، می‌خواهد نشان دهد که در این تحولات نه تماشاگر بلکه بازیگری فعال و مسئول است.



بینجامد. در این صورت، اروپا ممکن است، تلاش کند با فشار هماهنگ بر روسیه و تقویت پیمان‌های امنیتی خود، شکاف میان واشنگتن و کیف را پُر کند اما این سناریو احتمال ادامه درگیری‌های نظامی و افزایش هزینه انسانی را تقویت خواهد کرد. ۳- سناریوی معامله اقتصادی - سیاسی: با توجه به رویکرد تجاری ترامپ، امکان دارد او بخواهد بحران اوکراین را به عرصه‌ای برای معامله اقتصادی تبدیل کند که شامل دسترسی به منابع معدنی و خطوط استراتژیک اوکراین باشد. این گزینه با مخالفت شدید اروپا و زلنسکی مواجه خواهد شد و می‌تواند اعتبار سیاسی واشنگتن در میان متحدان را تضعیف کند.

در مجموع پیامد نشست دیشب می‌تواند فراتر از تصمیمات فوری باشد و چارچوب مذاکرات صلح، نحوه بازتعریف مرزهای امنیتی اروپا و حتی اعتبار آمریکا در معادلات بین‌المللی را شکل دهد. هرگونه توافقی یا شکست در این جلسه، سیگنال روشنی به مسکو درباره میزان انعطاف‌پذیری غرب خواهد بود و ممکن است جهت‌گیری‌های استراتژیک روسیه را در ماه‌های آینده تعیین کند.

دیپلماسی

سفارت آلمان باز است

سفارت‌خانه‌های آلمان، سوئیس و انگلیس در ایران در حال فعالیت هستند

در روزهای گذشته موجی از خبرهای ضدوقیض در شبکه‌های اجتماعی و برخی رسانه‌ها منتشر شد که ادعا می‌کردند چند سفارت اروپایی از جمله سفارت آلمان فعالیت خود را در تهران متوقف کرده‌اند. این خبرها که بیشتر با لحن هشدارآمیز و در جهت تشویش اذهان عمومی بازتشر می‌شد به سرعت میان کاربران دست به دست شد و نگرانی‌هایی را در جامعه ایجاد کرد. اما امروز، سفارت آلمان در تهران در صفحه رسمی اینستاگرام خود رسماً این شایعات را رد و اعلام کرد: «پس از یک جابه‌جایی موقت به خارج از کشور، دیپلمات‌های آلمانی فعالیت خود در تهران را از سر گرفته‌اند.» به گفته سفارت، در حال حاضر بخش کنسولی با تعداد محدودی از کارکنان فعال است و همین موضوع باعث، کاهش ظرفیت برای رسیدگی به پرونده‌های متقاضیان روادید شده است. سفارت آلمان تأکید کرده که تمرکز کنونی بر پرونده‌های ثبت شده پیش از تاریخ ۱۳ ژوئن (۲۳ خرداد) است و با هر تقاضای بر اساس زمان ثبت درخواست، تماس جداگانه گرفته خواهد شد. همچنین این نهاد دیپلماتیک از شهروندان خواسته تنها از طریق کانال‌های رسمی از جمله وب‌سایت و صفحه اینستاگرام سفارت پیگیر اطلاعاتیها باشند و به منابع غیرموقت اعتماد نکنند. در همین حال، اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه نیز امروز در نشست خبری خود با خبرنگاران تأکید کرد که سفارت‌خانه‌های آلمان، سوئیس و انگلیس که برخی رسانه‌ها از تعطیلی آنها سخن گفته بودند همچنان در حال فعالیت هستند. او افزود: «ادعاهای مطرح شده در این باره صحت ندارد». این اطلاعاتیها در شرایطی منتشر شده که شایعه تعطیلی سفارت‌های اروپایی در ایران از سوی برخی رسانه‌های غیررسمی به عنوان نشانه‌ای از وخامت اوضاع سیاسی و امنیتی کشور تعبیر شده بود. تکذیب رسمی سفارت آلمان و سخنگوی وزارت خارجه، نشان می‌دهد که هرچند فعالیت‌ها در سطحی محدود پیگیری می‌شود اما برخلاف ادعاهای منتشرشده، تعطیلی و خروج کامل دیپلمات‌ها از تهران صحت ندارد.



ادامه تیتیر یک

بازسازی مسیر دوستی

روابط ایران و ارمنستان برخلاف بسیاری از روابط منطقه‌ای که بر اساس منافع مقطعی شکل گرفته‌اند، ریشه در تاریخ، فرهنگ و حتی بافت اجتماعی دو کشور دارد. حضور پررنگ جامعه ارمنی در ایران که همواره نقش فعالی در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ایفا کرده‌اند، خود گواهی بر پیوندهای عمیق میان دو ملت است. این پیوندها در سال‌های اخیر با گسترش همکاری‌های اقتصادی، پروژه‌های مشترک عمرانی و حتی آموزش زبان فارسی در مدارس ارمنستان، ابعاد تازه‌ای یافته‌اند. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، در گفت‌وگویی با رسانه‌ها با اشاره به این روابط تأکید کرد که «روابط ما با ارمنستان یک رابطه بسیار قدیمی و با علقه‌های بسیار نزدیک است؛ هم هموطنان ارمنی ما در ایران یک نقطه

اتصال قوی با ارمنستان بودند، هم ارتباطات فرهنگی و تاریخی بسیار نزدیکی میان دو کشور وجود دارد». اما آنچه این سفر را از یک دیدار معمول دیپلماتیک فراتر می‌برد، تحولات ژئوپلیتیکی اخیر در منطقه قفقاز است. پروژه‌ای که در رسانه‌ها به «کریدور زنگزور» یا به تازگی «مسیر ترامپ» معروف شده، جاده‌ای است که قرار است، نخجوان را به سرزمین اصلی جمهوری آذربایجان متصل و از خاک ارمنستان عبور کند. این مسیر، که توسط یک کنسرسیوم آمریکایی-ارمنی طراحی شده، در ظاهر یک پروژه عمرانی است اما در واقع حامل پیام‌هایی ژرف درباره تغییرات احتمالی در نقشه ژئوپلیتیکی منطقه است. ایران که همواره نسبت به هرگونه تغییر

در مرزهای شناخته شده بین‌المللی حساس بوده این پروژه را با نگرانی دنبال می‌کند.

عراقچی در این باره هشدار داد: «ما با یک موضوع حساس مواجهیم و آن بحث اتصال نخجوان به سرزمین اصلی جمهوری آذربایجان است. این موضوع بحث بسیار راهبردی و حساسی را در سال‌های گذشته ایجاد کرده که باعث نگرانی‌های زیادی شده، هم در سمت ما و هم در سمت بقیه کشورهای منطقه چراکه احتمال تغییرات ژئوپلیتیک در منطقه وجود دارد.» او در ادامه تصریح کرد: «تغییرات ژئوپلیتیک منظورمان چیست؟ تغییر مرزهای شناخته شده بین‌المللی، جابه‌جایی مرزها، خدشه وارد شدن به حاکمیت کشورهای منطقه و تمامیت ارضی کشورهای منطقه؛ یعنی مثلاً بخشی از ارمنستان به این منظور به گونه‌ای استفاده شود که منجر به اشغالگری، تغییر یا تضعیف حاکمیت‌ها شود».

در این میان، یکی از نگرانی‌های اصلی تهران، احتمال حضور نیروهای آمریکایی یا شرکت‌های امنیتی خصوصی در منطقه به بهانه احداث این مسیر است. عراقچی در گفت‌وگوی



با این حال، تهران همچنان با دقت این تحولات را دنبال می‌کند و سفر پزشکیان به ایران، فرصتی است برای طرح دوباره این نگرانی‌ها و تلاش برای رسیدن به یک سازوکار اطمینان‌بخش. عراقچی در این باره گفت: «در سفری رئیس‌جمهور که روز دوشنبه انجام می‌شود این نکته حتماً مورد بحث قرار خواهد گرفت. ما نگرانی‌های خودمان را که البته دوستان ارمنی در جریان آن هستند، تکرار خواهیم کرد و تلاش می‌کنیم که ضمناً به یک سازوکار اطمینان‌بخش هم در این خصوص برسیم».

از منظر اقتصادی نیز پروژه مسیر ترامپ می‌تواند، تبعاتی برای ایران داشته باشد. عراقچی هشدار داد که «ممکن است آن راه ترانزیتی که از ایران می‌گذرد را کمی کم‌رنگ‌تر کند که البته این بستگی به خودمان دارد که چگونه جذابیت‌های این جاده را بالا ببریم که حرکت و حمل‌ونقل بیشتری از این مسیر صورت بگیرد.» این یعنی ایران باید با تقویت زیرساخت‌های خود، حفظ امنیت مسیرهای ترانزیتی و ارائه تسهیلات بیشتر، جایگاه خود را در شبکه حمل‌ونقل منطقه‌ای حفظ کند.

ویرتین: تازه‌های نشر

شعرا در ساحت شاهان

نگاهی به کتاب **ادبیات درباری** نوشته حسین فراهانی

ادبیات فارسی، نه تنها فرهنگ این سرزمین را شکل داده بلکه قلب تپنده روح ما ایرانیان است. در طول تاریخ این سرزمین، به مدد زبان و ادب فارسی بود که بزرگان و ادیبان توانستند در فراز و فرودهای تاریخ و در روزگاری که مرزهای سیاسی پیوسته دستخوش تغییر می‌شد از وحدت ایران و فرهنگ ملی محافظت نمایند. در این میان دربارها یکی از کانون‌های اصلی شکل‌گیری، حمایت و گاه مهار شعر و ادبیات فارسی بوده‌اند؛ از یک سو شاهان در پی کسب مشروعیت و شکوه سلطنت، شعرا و ادیبان را پیرامون خود گرد می‌آوردند و از سوی دیگر شاعران در پی نام و شهرت و البته برای معاش و کسب ثروت به مدح شاه و درباریان می‌پرداختند. در میان کتاب‌هایی که به بیان و بررسی تاریخ ادبیات فارسی و رابطه درباریان و شاعران پرداخته‌اند، کتاب «ادبیات درباری» از جمله کتاب‌هایی است که با پرهیز از بزرگو‌یی‌های مألوف متون دانشگاهی، روایتی موجز و خوش‌خوان از نسبت ادبیات و قدرت عرضه می‌کند؛ روایتی که هم برای خواننده عام جذاب است و هم برای دانشجوی ادبیات و تاریخ سودمند. نویسنده با گزینش آگاهانه نکات تاریخی و گلچین سنجیده اشعار، متنی فراهم کرده که شوق‌پیکیری را در مخاطب برمی‌انگیزد. کتاب «ادبیات درباری»، نوشته حسین فراهانی در سال ۱۴۰۳ توسط انتشارات پدیدار جهان منتشر شد. به تصریح مولف، کتاب مختصری است از تاریخ ادبیات ایران در صحن و سرای کاخ‌ها؛ تمرکز آن بر هم‌کنش شاعران و پادشاهان است، اینکه دربار چگونه شعر را رونق می‌داد یا به رکود می‌کشاند و شعر چگونه در بازنمایی شکوه سلطنت یا پند و اندرز به شاهان نقش می‌گرفت. نویسنده در دو فصل به بررسی فراز و فرودهای شعر و ادبیات فارسی در دربارها و سلسله‌ها و بیان ویژگی‌های اشعار درباری پرداخته است: فصل اول که بخش مهمی از کتاب را به خود اختصاص داده، ادبیات فارسی را معطوف به دربارها و پادشاهان سلسله‌های گوناگون می‌کند. مولف در این فصل در پی آن است تا نشان دهد که چگونه منش و سیاست پادشاهان در طول تاریخ، بازار شعر را رونق داد یا از نفس انداخت؛ نکته‌ای که برای خواننده تاریخ‌دوست نیز دلنشین است. کتاب از سلسله صفاریان و دوران حکومت یعقوب لیث صفاری آغاز می‌شود و تاثیر او بر شکل‌گیری هسته‌های اولیه سرایش شعر فارسی در دربارها را شرح می‌دهد. بعد به سراغ شاهان و شعرای دیگر سلسله‌ها مانند سلسله‌های غزنوی و سلجوقی می‌رود و نشان می‌دهد که چگونه منش و ادب‌دوستی شاهان، باعث رشد و نمو شعر فارسی شد و در نتیجه آن مدیحه‌سرایی چون عصری، فرخی و انوری جایگاه ویژه‌ای یافتند. سپس به سراغ دوران افول رونق ادبیات درباری در عهد صفوی، افشار و زند می‌رود و آشکار می‌کند که چگونه بی‌توجهی دربار به شعر و شعرا باعث شد که شعر از دربار به میان مردم برود و قهوه‌خانه‌ها به محلی برای رشد و نمو شعر فارسی بدل شوند و به این طریق مردم عامه نیز فرصت یابند تا با شعر آشنا شوند و به اشعار شاعران گوش سپارند. نویسنده در نهایت به دوران قاجاریه می‌رسد؛ عصری که محافل ادبی دربار دوباره رونق یافت و دربار بار دیگر به پناهگاه شاعرانی چون قائمی و نشاط اصفهانی تبدیل شد. انجمن ادبی «خاقان» دربار فتحعلی‌شاه از جمله مثال‌های علاقه شاهان قجر به شعر و شکوفایی دوباره شعر در دربار است؛ اما این رونق دیری نپایید چرا که بعد از مرگ ناصرالدین‌شاه دیگر نه دربار‌پذیری شاعران شد و نه دیگر شاعران تمایلی به حضور در دربار داشتند. نویسنده برای درک بهتر پیوند میان ادبیات و دربار به ترتیب حکومت‌ها و سلسله‌ها را نام برده و ضمن تبیین رابطه میان دولتمردان و شاعران، برخی از شاعران سرشناس و بزرگ هر دوره را نیز معرفی می‌کند و گزیده و گلچینی از اشعارشان را نیز نقل می‌نماید و بدین ترتیب فراز و فرودهای ادبیات درباری و تغییر و تطور آن را در برخورد با شاهان و سلسله‌ها بیان می‌کند. سامان‌دهی مرحله‌بمرحله این فصل و چینش سلسله‌ها سپس معرفی شاعران شاخص هر دوره، فهم روندها را آسان کرده و مطالعه را بدون زحمت پرش‌های موضوعی پیش می‌برد. در فصل دوم کتاب، نویسنده به شکلی مختصر و مفید ویژگی‌های اشعار درباری از قرون نخستین ورود اسلام به ایران تا آغاز نهضت مشروطه را مورد بررسی قرار داده، آن را در سطوح زبانی، فکری و ادبی مورد تحلیل و مطالعه قرار می‌دهد و بدین ترتیب وجه تمایز اشعار درباری را با دیگر شعرها نمایان می‌سازد. به تصریح مولف، اهمیت این کتاب در اهمیت ادبیات درباری در شناخت ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جوامع گذشته است و هدف او از نگارش کتاب، ارائه دیدگاهی کوتاه و مختصر درباره ادبیات درباری بوده تا مخاطبان بتوانند به سادگی با این نوع ادبیات و ویژگی‌های آن آشنا شوند. از دیگر نکاتی که «ادبیات درباری» را به اثری ارزشمند بدل می‌کند ایجاز هدفمند و نثر روان آن است؛ متن مختصر است اما تصویری روشن و جامع از ادبیات درباری ترسیم می‌کند؛ «مختصر و مفید» به معنای دقیق کلمه. ایجاز کتاب در عین مزیت، ممکن است برای پژوهشگری که به دنبال ارجاعات گسترده، منابع دست اول و تحلیل‌های تفصیلی است، کافی نباشد. خواننده تخصصی شاید ترجیح دهد در کنار این اثر به منابع تکمیلی و تکنگاری‌های دوره‌ای نیز مراجعه کند؛ نویسنده نیز به این موضوع اذعان داشته و مخاطبانش را به مراجعه به کتاب‌هایی که منابع کتاب هستند، تشویق می‌کند. البته که ایجاز کتاب، نافعی کارکرد آموزشی کتاب نیست و مولف با بهره بردن از منابع گوناگون و ارجاعات فسران و وزن و دقت علمی اثر را در عین ایجاز آن حفظ کرده است. «ادبیات درباری» اثری است که هم سرگذشت شعر و شاعران در کنار سلطنت را روایت می‌کند و هم نشان می‌دهد، چگونه سیاست و فرهنگ در تار و پود تاریخ ایران در هم تنیده شده‌اند؛ از همین روی کتاب برای علاقه‌مندان عمومی ادبیات و تاریخ ایران، دانشجویان ادبیات فارسی و علوم انسانی که انتشارات پدیدار جهان می‌خواهند مدخلی فشرده اما دقیق بر ادبیات درباری داشته باشند، گزینه‌ای مناسب است.

مأموریت منطقیون

دکتر مصطفی محقق داماد در دیدار اعضای کنگرهٔ علامه ملاعبدالله بهابادی عنوان کرد

آیت‌الله دکتر سیدمصطفی محقق داماد در دیدار اعضای کنگرهٔ علامه ملاعبدالله بهابادی یزدی با تأکید بر ضرورت توجه جدی به علم منطق و معرفی نوآوری‌های این حکیم برجسته گفت: «شایسته است نظارت بر پروژهٔ احیا و تدوین مقالات تخصصی دربارهٔ ملاعبدالله به مؤسسهٔ حکمت و فلسفهٔ ایران سپرده شود.»

محقق داماد در ادامه گفت: «پیشنهاد می‌کنم با همکاری این موسسه پروژه‌ای تعریف گردد که طی آن مجموعه‌ای جامع از مقالات علمی دربارهٔ نوآوری‌های ملاعبدالله گردآوری و به‌صورت یک اثر واحد منتشر شود. همچنین باید چهره‌هایی را شناسایی کرد که کار تخصصی‌شان منطق است؛ چراکه متأسفانه امروز نگاه ابزاری و نادرستی به منطق و حتی ادبیات عرب رایج شده و این علوم، که در گذشته دروس اصلی حوزه بودند، مهجور مانده‌اند.»

پاسخ مطهری به راسل

او با اشاره به تجربهٔ علمی خود و همکاری با شهید آیت‌الله مطهری افزود: «مروحوم مطهری در سال ۱۳۵۱ قرار گذاشتند دو روز در هفته به قم بیایند و در منزل ما مباحث «تعارضات منطقی ارسطو» را تدریس کنند. در این جلسات، که استادان نامداری چون طاهرآبادی، احمد بهشتی و ربانی املشی حضور داشتند، شهید مطهری از حاشیهٔ ملاعبدالله مطالبی می‌آورد و هدف اصلی او این بود که به ما طلبه‌ها نشان بدهد که منطق یک علم مقدماتی صرف نیست. آن جلسات برای ما روشن کرد که غفلت حوزه از منطق،

گزارش تئاتر

کاهش رتبه هنرهای نمایشی

مدیر اداره کل هنرهای نمایشی می‌گوید ما از تنزل این اداره به دفتر خبر نداشتیم

سه روز پیش گزارشی درباره تنزل اداره کل هنرهای نمایشی منتشر شد که از این پس در چارت سازمانی وزرات ارشاد به عنوان دفتر تئاتر تعریف می‌شود. روز گذشته مدیرکل هنرهای نمایشی ضمن انتقاد از تغییر جایگاه سازمانی اداره کل هنرهای نمایشی به «دفتر» توضیحاتی در این زمینه ارائه داد و یادآور شد که پیگیر بازگشت جایگاه اداره کل به ساختار اداری تئاتر است.

رضا مردانی، مدیرکل هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگو با خبرنگار مهر درباره تغییر جایگاه سازمانی هنرهای نمایشی از «اداره کل» به «دفتر» توضیح داد: «معاونت امور هنری و اداره کل هنرهای نمایشی در جریان تغییر جایگاه سازمانی اداره کل هنرهای نمایشی نبوده و مانند اهالی تئاتر این موضوع را از رسانه‌ها و سامانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی متوجه شد. این تغییر مسیر نه قبلا به معاونت یا اداره کل اعلام

خسارتی علمی است. شهید مطهری در این مباحث به نقدهای راسل بر منطق ارسطویی پاسخ می‌داد و از ساختار منطقی ارسطو به شکلی زیبا و تازه دفاع می‌کرد. بعدها که وارد دانشگاه شدم، دیدم گروهی از اساتید بسیار خوبی همچون آقای ضیاء موحد و یوسف ثانی در مؤسسهٔ حکمت و فلسفه، دکتر غلامحسین مصاحب در حوزهٔ منطق ریاضی و زندیاد دکتر خوانساری در حوزهٔ منطق صوری، به‌طور تخصصی به این علم پرداخته‌اند. منطق صوری دکتر خوانساری یادآور رویکرد دقیق ملاعبدالله است.»

محقق داماد با تأکید بر لزوم ترویج منطق به‌عنوان یک علم بنیادین خاطرنشان کرد: «همان‌گونه که غربی‌ها منطق سنتی را به منطق ریاضی توسعه دادند، ما نیز باید ظرفیت‌های منطق سنتی خود، از جمله آثار و نوآوری‌های ملاعبدالله بهابادی، را شناسایی و به نسل امروز منتقل کنیم.»

بازتعریف همکاری با حکومت توسط محقق کرکی

آیت‌الله محقق داماد در بخش دیگری از این دیدار گفت: «برخی علمای یزدی ملا بودند اما گوشه‌نشین بودند؛ ولی علامه ملاعبدالله بهابادی گوشه‌نشین نبود و این مسیر همکاری علما با صفوی را محقق کرکی حل کرد و ایشان نظریهٔ همکاری با حکومت را بازتعریف کردند و در حقیقت علامه کرکی، چالش سیاسی مواجهه علما با حکومت غیرمعصوم را حل کردند. ملاعبدالله همان عصر می‌زیستند و چون شاگرد ایشان بودند در خط سیاسی ایشان

شده بود و نه اینکه در دستور کار بود. این در حالی است که به زعم ما، حتی تبدیل «مرکز هنرهای نمایشی» به «اداره کل» در سال‌های دور هم تزلی در جایگاه تئاتر به حساب می‌آمد و حالا تغییر همین «اداره کل» به «دفتر» هم به نوعی کاهش رتبه هنرهای نمایشی است. البته گاهی در سال‌های گذشته، بحث ایجاد سازمان هنرهای نمایشی نیز مطرح شده است.» جالب اینجاست که هیچ‌یک از مدیران تئاتر در جریان این تغییرات نبودند و از طریق رسانه‌ها در جریان چنین تغییر مهمی قرار گرفتند. یعنی در واقع آن‌طور که مدیر اداره کل هنرهای نمایشی می‌گوید، آنها دیرتر از رسانه‌ها در جریان خبرهای وزارت ارشاد قرار دارند و باید چنین اخباری را رسانه‌ها در اختیار آنها قرار دهند. جالب‌تر اینکه انگار اداره کل هنرهای نمایشی جزیره‌ای دورافتاده از وزارتخانه است و مدیران وزارت ارشاد هم هیچ‌لزومی در مطلع کردن مدیران این اداره کل نمی‌بینند و کار خود را به راحتی انجام داده

شناسه آگهی: ۱۹۸۵۶۵۸

آگهی مناقصه عمومی (نوبت دوم)



شهرای اهواز

شهرداری منطقه سه اهواز در نظر دارد پروژه زیر را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکاران دارای صلاحیت از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور با رتبه ۵ اینیه واگذار نماید.

ردیف	موضوع	مبلغ اولیه (ریال)	مبلغ سپرده شرکت در مناقصه (ریال)	مدت اجرای پروژه
۱	ادامه پیاده رو سازی مسیر بلوار شهید دغاغله در منطقه سه شهرداری	۸/۵۲۱/۰۳۷/۶۱۱	۴۲۶/۰۵۱/۸۸۰	۲ ماه

از شرکت های واجد شرایط دعوت به عمل می آید ،جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۸ لغایت ۱۴۰۴/۰۶/۰۵ به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

در شرایط یکسان اولویت با شرکت های بومی می باشد.

آخرین مهلت قبول پیشنهاد مناقصه گران ، از آخرین روز دریافت اسناد به مدت ۱۰ روز کاری در سامانه ستاد است حداکثر مهلت بازگذاری اسناد در سامانه ستاد تا روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۸ ساعت ۱۹:۰۰ بعد از ظهر می باشد. ضمناً آخرین مهلت تحویل فیزیکی پاکات مناقصه روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۲ به اداره حقوقی و قراردادها منطقه سه می باشد. لازم به ذکر است مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه برگ پیشنهاد قیمت می بایست از درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir صورت پذیرد و مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی مراحل ثبت نام را در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی (توکن) را جهت شرکت در مناقصه را محقق نمایند.

پرداخت هزینه انتشار آگهی و وجوه قانونی سامانه ستاد به عهده برنده مناقصه می باشد.

شهرداری در رد یک یا تمام پیشنهادها مختار می باشد.

– مبلغ سپرده شرکت در مناقصه فوق الذکر می بایست به یکی از دو طریق ذیل ارائه شود:

الف – فیش واریز مبلغ فوق به حساب شماره ۰۲۰۳۹۹۴۳۹۸۰۰۱ شهرداری اهواز نزد بانک ملی به نام شهرداری اهواز.

ب – به صورت ضمانتنامه بانکی به نام شهرداری اهواز و به مدت سه ماه از تاریخ افتتاح پیشنهادها.

تبصره: محل اعتبارات این مناقصه از بودجه جاری شهرداری (منابع داخلی) می باشد.

۴– **تاریخ برگزاری کمیسیون مناقصه در ساعت ۱۲:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۳ در دفتر شهردار منطقه سه به آدرس فوق الذکر می باشد.** حضور پیشنهاد دهندگان در جلسه مجاز می باشد.

۵– نتیجه برابر تصمیم اعضای کمیسیون به برنده اعلام خواهد شد. تا مراحل انعقاد قرارداد انجام شود.

۶– به استناد بند ۵ ماده ۱۱ آیین نامه معاملات شهرداری کلان شهرها میزان تضمین حسن انجام تعهدات ۵٪ درصد مبلغ پیشنهادی پیمانکار می باشد که پس از تحویل موقت آزاد خواهد شد.

۷– به برنده مناقصه پیش پرداخت داده نخواهد شد.

۸– برندگان اول و دوم مناقصه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده شرکت در مناقصه آنان به ترتیب ضبط خواهد شد.

۹– بر اساس ماده ۱۰ قانون اصلاح و تسری آیین نامه معاملات شهرداری تهران به کلانشهرها، شرکت در مناقصه و ارائه پیشنهاد به منزله قبول شروط و تکالیف شهرداری می باشد.

۱۰– سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج شده است.

دیدگاه:یادداشت اقتصادی

شکستن سد بزرگ

آیا مسیر واردات لوازم خانگی هموار می‌شود؟

مهتا معرفت

گروه اقتصاد

سال‌هاست به بهانه حمایت از تولید داخل، حق انتخاب لوازم خانگی از مردم گرفته شده و در این مدت نه تنها تولید داخل تقویت نشده که محصولات بی‌کیفیت خارجی به جای محصولات استاندارد و با عنوان محصول داخلی روانه خانه‌های مردم شده است.

سال‌هاست که لوازم خانگی خارجی، از بازار ایران غیب‌شان زده و جای خود را به گزینه‌های محدود داخلی یا کالاهای قاچاق داده‌اند. حالا پس از ۸ سال انتظار، ابلاغیه جدید وزارت صمت در سامانه جامع تجارت مانند نسیمی امیدوارکننده، نوید باز شدن درهای بسته واردات را می‌دهد؛ گامی که شاید طلسم کمبود و گرانی را بشکند.

در سال ۱۳۹۷ وقتی دولت تصمیم گرفت، درهای کشور را به روی واردات لوازم خانگی ببندد، هدفش حمایت از تولید داخلی بود. اما این تصمیم که با خروج برندهای بین‌المللی از ایران و خلأ محصولات باکیفیت در بازار همراه شد، مصرف‌کنندگان را در تنگنای انتخاب قرار داد. حالا پس از ۸ سال وزارت صنعت، معدن و تجارت با ابلاغیه‌ای جدید در سامانه جامع تجارت، روزه‌ای برای شکستن این طلسم گشوده است. این ابلاغیه که فهرستی از کالاهای مشمول محدودیت با ممنوعیت واردات را مشخص کرده، بارقه‌ای از امید برای بازگشت لوازم خانگی خارجی به بازار ایران ایجاد کرده است. این فهرست گسترده شامل اقلامی است که با ورودشان کاملاً ممنوع شده یا تحت محدودیت‌های ویژه‌ای مانند دریافت مجوزهای خاص قرار دارند. وزارت صمت هدف از این اقدام را ساماندهی واردات، مدیریت تقاضای ارزی، حمایت از تولید داخلی و شفاف‌سازی فرآیندهای تجاری برای جلوگیری از ورود غیرقانونی کالاهای نامرغوب است. در میان این فهرست، لوازم خانگی جایگاه ویژه‌ای دارد. اگرچه بسیاری از برندهای خارجی به دلیل حمایت از تولیدکنندگان داخلی همچنان با ممنوعیت یا محدودیت مواجه‌اند اما حضور این اقلام در فهرست سامانه جامع تجارت، نویدبخش امکان ثبت سفارش برای واردات آنها در کنار محصولات داخلی است.

ممنوعیت واردات لوازم خانگی از سال ۱۳۹۷ نه‌تنها ورود محصولات خارجی را متوقف کرد بلکه شرکت‌های بین‌المللی فعال در این حوزه را از ایران راند. این سیاست، هرچند با نیت تقویت صنایع داخلی اجرا شد اما تولیدکنندگان نتوانستند، خلأ کیفی و کمی بازار را پر کنند. نتیجه، افزایش کالاهای قاچاق و زیان مصرف‌کنندگان بود که از دسترسی به محصولات متنوع و باکیفیت محروم شدند. آمارها نیز از افت ۶۷.۵ درصدی تولید صنایع و معادن در بهار امسال خبر می‌دهند؛ نشانه‌ای از اینکه سیاست‌های حمایتی، آن‌طور که انتظار می‌رفت به بار ننشست.

اواسط اردیبهشت ماه، معاون هماهنگی و برنامه‌ریزی امور حقوقی دستگاه‌های اجرایی رئیس‌جمهوری در نامه‌ای به وزارت صنعت، معدن و تجارت پیشنهاد داد که به استناد ماده ۲۲ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه به جای ممنوعیت‌های غیرتعاریفی و غیرفنی از ابزارهایی مانند تعرفه به ضوابط فنی برای مدیریت واردات استفاده شود. این پیشنهاد با تأکید بر حفظ حقوق واردکنندگان و رعایت قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، راه را برای بازنگری در سیاست‌های محدودکننده هموار کرد. با این حال، لغو ممنوعیت واردات لوازم خانگی، که موافقان و مخالفان سرسختی دارد، همچنان با پیچیدگی‌هایی همراه است.

یکی از معاونان وزارت صمت در گفت‌وگو با «اكو ایران» درباره این ابلاغیه توضیح داد که بر اساس تبصره ۴ ماده ۱۸ ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، تمام کالاهای وارداتی و تولیدی باید در سامانه جامع تجارت ثبت شوند و شناسه کالا، کد رهگیری و شناسه گارانتی دریافت کنند. به گفته او، این اقدام برای ثبت دقیق آمار تولید و واردات و امکان رصد بهتر بازار انجام شده است. این گام می‌تواند، نشانه‌ای از تلاش برای ایجاد تعادل بین حمایت از تولید داخلی و پاسخگویی به نیازهای مصرف‌کنندگان باشد.

آیا این ابلاغیه می‌تواند پایانی بر ۸ سال انتظار برای بازگشت لوازم خانگی خارجی به بازار ایران باشد؟ پاسخ این پرسش به چگونگی اجرای این سیاست و تعامل میان تولیدکنندگان، واردکنندگان و مصرف‌کنندگان بستگی دارد. آنچه روشن است، این است که بازار ایران تشنه تنوع و کیفیت است و شاید این بار، طلسم ممنوعیت شکسته شود.

قانون جنجالی

قانون مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی چه گرهی از اقتصاد ایران باز می‌کند؟

جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

ابلاغ قانون «مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی» موجی از بحث و جدل در محافل اقتصادی و اجتماعی به راه انداخته است. این قانون که از سال ۱۳۹۹ در پیچ‌وخم‌های مجلس و شورای نگهبان در حال شکل‌گیری بود، وعده می‌داد با مهار سوداگری در بازارهایی مثل مسکن، خودرو، طلا و ارز، گامی در جهت عدالت اقتصادی بردارد. اما در کوچه‌پس‌کوچه‌های بازار تهران و گنده‌های اقتصاددانان، پرسش‌ها بالا گرفته بود: آیا این قانون می‌تواند، گرهی از اقتصاد تورم‌زده ایران باز کند یا تنها مرهمی موقت بر زخم‌های عمیق اقتصادی است؟ در حالی که برخی به امید کاهش التهابات بازار به این قانون چشم دوخته‌اند، دیگران با تردید به تجربه‌های ناکام گذشته، مثل قانون مالیات بر خانه‌های خالی نگاه می‌کنند و می‌پرسند: چرا نظام حکمرانی به جای اصلاحات ریشه‌ای به چنین ابزارهایی پناه می‌برد؟

قانون «مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی»، که در تابستان ۱۴۰۴ توسط مسعود پزشکیان برای اجرا ابلاغ شد، با هدف کاهش فعالیت‌های غیرمولد و هدایت سرمایه‌ها به سمت تولید یکی از جنجالی‌ترین اقدامات اقتصادی سال‌های اخیر ایران است. این قانون، که از سال ۱۳۹۹ در مجلس کلید خورد، سود حاصل از خرید و فروش کوتاهمدت دارایی‌هایی نظیر مسکن، خودرو، طلا، ارز و رمزآز را مشمول مالیات می‌کند. بر اساس اعلام مقامات، این قانون تنها یک تا پنج درصد از جامعه که در فعالیت‌های سودآورانه فعال‌اند را هدف قرار می‌دهد و با معافیت‌هایی مانند امکان خرید و فروش دو خودرو و دو ملک برای هر سرپرست خانوار از فشار بر عموم مردم جلوگیری می‌کند.

موافقان این قانون معتقدند که مالیات بر سوداگری می‌تواند با کاهش تقاضای سفته‌بازی، نوسانات قیمتی در بازارهای کلیدی را مهار و از تبدیل دارایی‌های مصرفی به ابزارهای

سرمایه‌ای جلوگیری کند. این قانون با هدایت سرمایه‌ها به بخش‌های مولد مانند تولید و بورس که از معافیت‌های مالیاتی برخوردارند، می‌تواند به رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی کمک کند. از منظر اقتصاد رفتاری، این سیاست با افزایش هزینه معاملات کوتاهمدت، رفتارهای اقتصادی را به سمت سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت سوق می‌دهد و از تصمیم‌گیری‌های هیجانی که به اقتصاد کلان آسیب می‌زند، جلوگیری می‌کند.

با این حال، مخالفان این قانون، از جمله برخی اقتصاددانان، استدلال می‌کنند که در شرایط اقتصاد کلان ایران، این سیاست نمی‌تواند گره‌های اصلی را باز کند. اقتصاد ایران با چالش‌هایی نظیر تورم مزمن، رشد بالای نقدینگی، کسری بودجه ساختاری و شوک‌های ارزی دست‌وپنجه نرم می‌کند. به اعتقاد این گروه، مالیات بر سوداگری بدون اصلاح ریشه‌های این مشکلات مانند انتظارات تورمی یا ضعف سیاست‌گذاری پولی، تأثیر محدودی خواهد داشت. تجربه قانون مالیات بر خانه‌های خالی، که تنها ۸/۰ درصد از هدف درآمدی خود را محقق کرد، نشان‌دهنده چالش‌های اجرایی چنین سیاست‌هایی است. همچنین نبود زیرساخت‌های شفاف اطلاعاتی و نظام جامع مالیاتی ممکن است به فرار سرمایه، افزایش معاملات زیرزمینی یا کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران منجر شود. برخی حتی هشدار می‌دهند که این قانون ممکن است به جای بازدارندگی، سوداگری را به شکلی رسمی‌تر نهادینه کرده و به منبع درآمدی برای دولت تبدیل شود.

اقتصاددانان معتقدند اصلاحات ساختاری نظیر کنترل نقدینگی، اصلاح نظام پارانه‌ها، کاهش کسری بودجه و ایجاد ثبات ارزی به دلیل پیچیدگی، زمان‌بر بودن و مقاومت‌های سیاسی و اجتماعی برای نظام حکمرانی ریسک بالایی دارند. این اصلاحات نیازمند هماهنگی بین نهادها، اجماع نخبگان و تحمل هزینه‌های کوتاهمدت است. در مقابل، قانون‌هایی مانند مالیات بر سوداگری با ماهیت هدفمند و محدود، ساده‌تر به نظر می‌رسند و می‌توانند به‌عنوان اقداماتی کم‌هزینه برای نشان دادن تعهد به عدالت اقتصادی و کنترل التهابات بازار ارائه شوند.

فشارهای مالی نیز در این تصمیم بی‌تأثیر نیست. با کسری بودجه مزمن و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های نفتی، این قانون می‌تواند به‌عنوان منبعی جدید برای تأمین مالی دولت جذاب باشد، هرچند تجربه نشان داده که درآمدهای پیش‌بینی شده از چنین سیاست‌هایی اغلب محقق نمی‌شود. از منظر سیاسی و اجتماعی نیز این قانون با هدف قرار دادن گروه کوچکی از سوداگران، می‌تواند رضایت عمومی را جلب کند و به‌عنوان نمادی از عدالت اقتصادی مطرح شود، در حالی که اصلاحات ساختاری ممکن است با مقاومت ذی‌نفعان وضع موجود مواجه شود.

موفقیت این قانون به عوامل متعددی بستگی دارد: شفافیت در تعریف سوداگری، ایجاد زیرساخت‌های اطلاعاتی قوی برای رصد معاملات و اجرای عادلانه و غیرسلیقه‌ای. بدون این پیش‌نیازها، خطر فرار سرمایه به بازارهای زیرزمینی یا کاهش اعتماد عمومی به سیاست‌گذاری اقتصادی وجود دارد. همچنین در غیاب اصلاحات کلان مانند مهار تورم و تقویت بازار سرمایه، اثرات این قانون احتمالاً محدود و کوتاهمدت خواهد بود.

قانون «مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی» می‌تواند، گامی در جهت کاهش التهابات بازار و هدایت سرمایه‌ها به بخش‌های مولد باشد اما بدون اصلاحات ساختاری در اقتصاد کلان مانند کنترل نقدینگی، کاهش کسری بودجه و ایجاد ثبات ارزی، این قانون تنها به‌عنوان یک مسکن موقت عمل خواهد کرد. تجربه‌های پیشین مانند قانون مالیات بر خانه‌های خالی، نشان می‌دهد که موفقیت چنین سیاست‌هایی به اجرای دقیق و زیرساخت‌های شفاف بستگی دارد. نظام حکمرانی ایران در مواجهه با فشارهای مالی و اجتماعی به این قانون به‌عنوان راه‌حلی سریع و کم‌هزینه چشم دوخته اما پرسش اصلی همچنان پابرجاست: آیا این قانون می‌تواند اعتماد عمومی را جلب کند و گرهی از اقتصاد ایران باز کند، یا تنها به فهرست بلند سیاست‌های ناکام اضافه خواهد شد؟ برای پاسخ به این پرسش باید منتظر ماند و دید که آیا این قانون در عمل می‌تواند، وعده‌های خود را محقق کند یا خیر؟

نوبت اول

شناسه آگهی ۱۹۸۶۷۵۰



سازمان جهاد کشاورزی استان لرستان

فراخوان مناقصه عمومی (یک مرحله‌ای)

سازمان جهاد کشاورزی استان لرستان در نظر دارد مناقصه عمومی ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه ها از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند .

ردیف	شرح مناقصه	شماره فراخوان	مبلغ برآورد (ریال)	تضمین شرکت در مناقصه (ریال)
۱	خرید یک دستگاه ژنراتور مولد برق اضطراری ۵۰KVA	۲۰۰۴۰۰۰۱۲۹۰۰۰۰۰۴	۵۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۲/۷۵۰/۰۰۰/۰۰۰

– تاریخ انتشار مناقصه در سامانه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۸ می باشد .

– آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه از سایت : ساعت ۱۲:۰۰ روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۵

– آخرین مهلت ارائه پیشنهاد و تحویل فیزیکی اصل ضمانتنامه : ساعت ۱۲:۰۰ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۵

– زمان بازگشایی پاکت ها : ساعت ۱۲:۳۰ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۵

توضیحات:

– به استناد تصویب نامه شماره ۱۶۴۰۸۲/ت/۳۷۳ ه مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۰ آئین نامه راهکارهای افزایش ضمانت اجرائی و تقویت حسابرسی ، این سازمان از انعقاد قرارداد مازاد بر مبلغ ۱۰ برابر نصاب معاملات بزرگ که فاقد صورتهای مالی حسابرسی شده باشند خوداری می نماید .

جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت ها بهآدرس خرم آباد خیابان انقلاب جنب مصلی الغدیر سازمان جهاد کشاورزی استان ،اداره امور قراردادها و پیمانها مراجعه و یا با شماره تلفن ۳۳۲۵۰۷۳۳۲-۰۶۶ تماس حاصل فرمائید .

اطلاعات تماس سامانه ستاد : ۱۴۵۶

اداره امور قراردادها و پیمانها سازمان جهاد کشاورزی استان لرستان



شایعات و اخبار ضد و نقیض درباره انگیزه اقدام تلو دست به دست می‌شد. نزدیکان او در شبکه‌های اجتماعی می‌گفتند، وی از بلا تکلیفی پرونده عصبی است. به نقل از منابع خبری نزدیک تلو در هفته‌های قبل به دلیل «بی‌نتیجه ماندن درخواست توبه و عفو» اظهار ناامیدی کرده و حتی خواستار اجرای حکم اعدام شده بود. خواهر تلو نیز در این بحبوحه در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «ما را ببخش که امیر تلوداری بلد نیستیم... نمی‌دانیم چطور باید او را درک کنیم».

وکیل مدافع او می‌گوید که پس از اقدام خودکشی اخیر، موکلش تحت مراقبت روانپزشکی قرار گرفته است و نتوانسته حتی از یک روز مرخصی بهره‌مند شود. مجید نقشی افزود که تلو «تاکنون یک سال و هشت ماه در زندان» است و با وجود «بی‌قراری شدید» اعلام می‌کند، پرونده و حکم اعدام در مرحله اجرا ثبت شده اما خود این موضوع به معنای اجرای حکم نیست و این امکان وجود دارد که حکم تغییر کند. او همچنین تأکید کرده که هیچ شاکی خصوصی علیه تلو وجود ندارد و رسیدگی فعلاً تنها با مدعی‌العموم ادامه می‌یابد. در نهایت اینکه مطابق روال قانونی، رئیس قوه قضائیه با هیأت عفو باید درباره پذیرفتن یا رد توبه وی تصمیم نهایی را اتخاذ کنند. وکلای تلو امیدوارند که توبه قلبی موکلشان راه را برای آزادی یا تخفیف مجازات هموار کند. در عین حال پیگیری سایر درخواست‌های حقوقی مانند اعمال ماده ۴۷۷ و بررسی وضعیت روانی او نیز ادامه دارد.

گزارش ویژه

تفاهم‌نامه ۱۵۰۰میلیاردتومانی شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس ووزارت آموزش‌وپرورش

در پی تأکیدات ریاست‌جمهوری در خصوص نهضت توسعه عدالت در فضای آموزشی، تفاهم‌نامه ۱۵۰۰ میلیاردتومانی میان وزیر آموزش‌وپرورش و مدیرعامل گروه صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس به امضا رسید. به گزارش روابط‌عمومی شرکت صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس، این تفاهم‌نامه با موضوع توسعه عدالت آموزشی به‌ویژه برای دانش‌آموزان مناطق محروم و کمتربرخوردار، ارتقای سرنانه فضاهای آموزشی و تجهیز مدارس مناطق هدف و توسعه و تقویت مهارت‌آموزی و ساخت و تجهیز هنرستان‌ها به امضای محمد شریعتمداری، مدیرعامل شرکت صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس و علیرضا کاظمی، وزیر آموزش‌وپرورش رسید. بر این اساس شرکت صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس متعهد به تأمین ۵۰۰ میلیارد تومان از محل مسئولیت‌های اجتماعی و ۱۰۰۰ میلیارد تومان از محل بند خ ماده ۲۰ قانون برنامه هفتم و وزارت آموزش‌وپرورش نیز متعهد به ارائه فهرست نقاط هدف، اخذ مجوزهای لازم برای عملیاتی شدن بند خ ماده ۲۰ قانون برنامه هفتم، ارائه نقشه‌های اجرایی، نظارت فنی و اجرایی و تجهیز، اخذ انشعابات و تأمین معلم شد.
محدوده اجرای این تفاهم‌نامه، مناطق عملیاتی شرکت‌های تابعه شرکت صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس خواهد بود. علیرضا کاظمی در خصوص تفاهم‌نامه منعقد شده، گفت: «در تمام دنیا توسعه با آموزش و یادگیری صورت می‌گیرد؛ از این‌رو نظام آموزشی نقش مستقیم و مؤثری در توسعه و تحول کشور دارد. اگر از ابتدای انقلاب به آموزش‌وپرورش به‌عنوان مساله اول نگاه می‌شد امروز بسیاری از بحران‌ها رفع می‌شدند؛ زیرا آموزش‌وپرورش زیرساخت توسعه هر کشور است.»
مدیرعامل شرکت صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس بعد از امضای این تفاهم‌نامه با بیان اینکه برای جلوگیری از هدررفت منابع، مطالعات جمعیتی ضرورت هر اقدامی محسوب می‌شود، تصریح کرد: «تلاش ما این است که بخش عمده مسئولیت اجتماعی به موضوع توسعه عدالت در فضاهای آموزشی مناطق عملیاتی اختصاص یابد.»
محمد شریعتمداری با اشاره به تأکیدات مقام معظم رهبری بر توجه به فعالیت‌های مهارتی در نظام آموزشی، خاطرنشان کرد: «صنعت پتروشیمی ایران به دست دانش‌آموزان تربیت شده در آموزش‌وپرورش بنا شده و همین موضوع، ضرورت برقراری ارتباط میان آموزش‌وپرورش و صنعت پتروشیمی را دوچندان می‌کند و در این مسیر لازم است، برنامه‌هایی نظیر راهیان پیشرفت تقویت شود.»

تأیید و برای اجرا به دادگاه ارسال شده اما طبق قانون اجرای حکم منوط به بررسی درخواست‌های قانونی ثبت شده و تصمیم نهایی مراجع ذی‌صلاح است. با این حال، مسئولان قضایی با تأکید بر طی روال قانونی گفتند، خبر اجرای قریبالوقوع حکم «صحیح نیست» و پرونده طبق قانون در حال رسیدگی است. پیش‌تر نیز سخنگوی قوه قضائیه از این گفته بود که حکم اعدام «قطعی و قابل اجرا» شده اما درخواست اعاده دادرسی با پذیرش توبه از سوی وکلای تلو به‌عنوان مرجع ذی‌صلاح در حال بررسی است.

شرایط جسمی و روانی تلو

حواشی پرونده قضایی تلو تنها به جنبه‌های حقوقی محدود نشد. در خرداد ماه امسال خبر خودکشی او در زندان منتشر شد. خبرگزاری فارس نوشت که او در زندان با مصرف قرص اقدام به خودکشی کرده و بلافاصله به بیمارستان منتقل شده است؛ تا‌بناک هم گزارش داد، تلو با‌مسداد جمعه ۹ خردادماه به خاطر این اقدام در بیمارستان بستری شد. روزنامه هفت‌صبح نیز از وخامت حال جسمی او نوشت و این خودکشی ناموفق را به «ناامیدی از عفو» نسبت داد. مرکز رسانه قوه قضائیه به‌طور رسمی خبر «مسمومیت» تلو را تأیید و اعلام کرد پس از انتقال به بیمارستان، وضعیت او تحت مراقبت پزشکان قرار گرفته و حال عمومی او مساعد است.

پذیرش توبه

پرونده تلو روی میز اژه‌ای رفت

گروه اجتماعی: وکلای امیرحسین مقصودلو (تلو) از پذیرش درخواست توبه او توسط دادگاه کیفری یک استان تهران خبر داده‌اند. به گفته مجید نقشی، وکیل پایه یک دادگستری «درخواست پذیرش توبه امیرحسین مقصودلو از سوی دادگاه مورد قبول واقع شده و به‌منظور طی مراحل نهایی و اخذ نظر نهایی پرونده به ریاست قوه قضائیه ارسال شده است». به گزارش این منابع در صورت پذیرش توبه توسط رئیس قوه قضائیه، حکم اعدام صادره برای تلسو قابل لغو خواهد بود. مطابق ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی، در جرایمی که مشمول حدود است یا برخی جرائم دیگر، دادگاه می‌تواند در صورت احراز توبه محکوم پیش از اجرای حکم، مجازات را متوقف یا تخفیف دهد و در موارد خاص نیز تأیید نهایی با رئیس قوه قضائیه است.

وکلای او امید دارند که «توبه قلبی و واقعی» این خواننده راهگشای آزادی یا حداقل مرخصی وی باشد. عاطفه حاذق، وکیل دادگستری تلو در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر یادآور شده است که وی پیش‌تر نیز تأکید کرده بود، اظهار ندامت موکلش می‌تواند در حکم برخی جرائم تأثیرگذار باشد. به گفته حاذق، تلو حتی «نذر کرده در صورت رفع مشکلات و آزادی به صورت پیاده به کربلا برود». این وکیل قضایی همچنین خبر داده که دو درخواست حقوقی (درخواست عفو خاص و عام) برای بررسی مجدد پرونده مطرح شده و درخواست اعاده دادرسی تحت ماده ۴۷۷ آئین دادرسی کیفری نیز ثبت است.

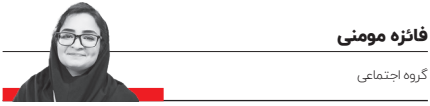
پیشینه پرونده و حواشی زندان

امیرحسین مقصودلو ملقب به تلو، متولد ۱۳۶۶ در تهران از دهه ۸۰ خورشیدی با موسیقی رپ فعالیت می‌کند و به خاطر

سلامت

بحران بی‌پولی در داروخانه‌ها

۸۰ درصد داروخانه‌ها در حال ورشکستگی هستند و معوقات‌شان به ۳۰ هزار میلیارد تومان رسیده است



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

رئیس انجمن داروسازان ایران اخیراً هشدار داده است که نزدیک به ۸۰ درصد داروخانه‌های کشور در آستانه ورشکستگی قرار دارند. از حدود ۱۷۶۰۰ داروخانه فعال در ایران ۱۶۰۰۰ مورد خصوصی است که عمدتاً زیر فشار سنگین کسری نقدینگی و مطالبات معوق مانده‌اند. برآوردهای رسمی نشان می‌دهد، جمعی از داروسازان حدود ۴۰۰۰ میلیارد تومان چک برگشتی در دست دارند و آمار ورشکستگی آنها به‌سرعت در حال افزایش است. این ارقام نشان می‌دهند که بحران داروخانه‌ها از مرحله هشدار گذشته و به وضعیت تهدیدکننده‌ای تبدیل شده است. برآوردها نشان می‌دهد بیش از ۹۰ درصد داروخانه‌های کشور خصوصی هستند و سهم بخش دولتی به کمتر از ۱۰ درصد می‌رسد. همین وابستگی گسترده به بخش خصوصی باعث شده که بحران مالی به‌سرعت در کل شبکه داروخانه‌ها گسترش یابد. گفته می‌شود، حجم مطالبات معوق داروخانه‌ها از سازمان‌های بیمه‌گر و هدفمندی یارانه‌ها به بیش از ۳۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. هم‌زمان، نزدیک به ۴ هزار میلیارد تومان چک برگشتی در میان داروسازان ثبت شده و بسیاری از آنها به دلیل ناتوانی در بازپرداخت دیگر امکان دریافت دسته‌چک جدید یا همکاری با شرکت‌های پخش دارویی را ندارند. در چنین شرایطی، «خواب مطالبات» یا همان تأخیر در پرداخت بدهی‌ها به طور متوسط به ۴ تا ۵ ماه رسیده و همین موضوع چرخه نقدینگی داروخانه‌ها را به مرز فروپاشی رسانده است. این ارقام نشان می‌دهد که صنعت دارو و خدمات درمانی در بخش عرضه با اختلالی جدی روبه‌رو شده است.

دلایل بحران نقدینگی و مطالبات معوق

بزرگ‌ترین عامل تشدید بحران داروخانه‌ها، بدهی‌های انباشته دولت و بیمه‌ها به این بخش است. مطالبات معوق داروخانه‌ها از سازمان هدفمندی یارانه‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر به بیش از ۳۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. به گفته مسئولان صنفی از ۳۰ بهمن ۱۴۰۳ تاکنون هیچ ریالی از سازمان هدفمندی یارانه‌ها به داروخانه‌ها پرداخت نشده و منابع سهم دارویار نیز معطل مانده است. در هر

مساء حدود ۴.۵ همت به بدهی بیمه‌های پایه و ۴.۵ همت به بدهی سازمان هدفمندی یارانه‌ها اضافه می‌شود، درحالی که پرداخت‌های چند هزار میلیاردی دولت تاکنون حتی یک ماه از نیاز داروخانه‌ها را هم پوشش نداده است. از سوی دیگر، بدهی بیمه‌ها نیز فشار را تشدید کرده است. بیمه تأمین اجتماعی تنها تا اسفندماه ۱۴۰۳ مطالبات داروخانه‌ها را تسویه کرده و از ابتدای سال ۱۴۰۴ هیچ پرداختی نداشته است. بیمه سلامت نیز به رغم پرداخت بدهی فروردین، تعهد اردیبهشت را انجام نداده است. در نتیجه، داروخانه‌ها از منابع نسخ بیمه‌ای خود بی‌بهره مانده‌اند و مطالبات معوق آنها در بخش بیمه پایه حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. علاوه بر این، بدهی‌های ارزی مربوط به داروهای بیماران خاص مانند بیماران سرطانی فشار نقدینگی را دوچندان کرده است. برای مثال در بخش تأمین شیر خشک کودکان، سازمان هدفمندی یارانه‌ها ماهانه حدود ۵۰۰ میلیارد تومان بدهی دارد که تاکنون بیش از ۵ هزار میلیارد تومان آن پرداخت نشده است. این تأخیرها در پرداخت‌ها باعث شده، داروخانه‌ها نتوانند بدهی خود را به شرکت‌های پخش دارویی تسویه کنند و در نتیجه زنجیره توزیع دارو دچار ناترازی جدی شود.

پیامدهای خروج داروخانه‌ها از چرخه عرضه

مشکلات نقدینگی، اثرات مخربی بر عملکرد داروخانه‌ها داشته است. در عمل بسیاری از داروخانه‌ها با چک‌های برگشتی مواجه شده‌اند و دیگر دسترسی به اعتبار بانکی ندارند. بررسی‌ها نشان می‌دهد جمع چک‌های برگشتی داروسازان خصوصی به حدود ۴۰۰۰ میلیارد تومان رسیده و این داروخانه‌ها عملاً مجاز به گرفتن دسته چک جدید نیستند. در چنین شرایطی، شرکت‌های پخش دارویی نیز دیگر با داروخانه‌های بدهکار همکاری نمی‌کنند و دارو به آنها تحویل نمی‌دهند. به تعبیر کارشناسان، خروج داروخانه‌ها از حلقه آخر زنجیره تأمین دارو می‌تواند، کل زنجیره تولید و توزیع دارو را مختل کند. این وضعیت بحرانی پیامدهای فوری و قابل‌مشاهده‌ای را به دنبال داشته است. بسیاری از داروخانه‌ها با برگشت چک‌های بانکی روبه‌رو شده‌اند و اعتبار مالی‌شان نزد بانک‌ها و شرکت‌های پخش از بین رفته است. همین مساله موجب شده، شرکت‌های پخش دارو از همکاری با داروخانه‌های بدهکار خودداری کنند و در نتیجه تأمین دارو برای این مراکز به شدت دشوار شود. در ادامه این چرخه معیوب، برخی

